



قوه قضاییه؛ حال و آینده

در دیداری که در بیستم اسفند ماه سال گذشته، مسؤلان عالی قوه قضاییه، روسای کل دادگستری و دادستان‌های مراکز استان‌های سراسر کشور با حضرت آیت‌الله لاریجانی داشتند، ایشان طی سخنانی، برخی موضوعات مهم را تبیین و تشریح نمودند، مجله‌ی تعالی حقوق، تلاش نموده است اهم مطالب مطروحه را برای آگاهی خوانندگان محترم به چاپ برساند.

این بدین دلیل است که پیشگیری از وقوع جرم از توان قوه قضاییه خارج است؛ هر چند قوه می‌تواند در تحقق این امر نقش به‌سزایی داشته باشد. لذا ضروری است توجه به این مقوله را جدی بگیریم تا در وقوع جرایم با روندی نزولی مواجه شویم. همان‌گونه که گفته شد، در این راستا باید تمام دستگاه‌های اجرایی و فرهنگی کشور، ما را یاری رسانند و از آن‌جا که در حال حاضر هیچ نهاد و ارگانی متولی این وظیفه‌ی خطیر نیست، به ناچار ما باید خود اقدام کنیم. در چند ماه اخیر با وجود آن‌که وضعیت خاص تهران، برخی مشکلات و دشواری‌ها را به وجود آورد، با همکاری تعدادی از دوستان در قوه‌ی قضاییه، اقداماتی انجام گرفته است. ضمن آن‌که، پیگیری امور مراجعان مورد توجه قرار گرفته است. تقاضایی که در این خصوص از روسای کل دادگستری‌ها دارم، این است که از سال آینده تلاش نمایند با همکاری سایر نهادها و سازمان‌ها فعالیت‌هایی مانند امور فرهنگی را در رأس اقدامات خود قرار دهند.

ضمن آن‌که، پیشگیری از وقوع جرم و مراد مردم با مسؤلان را از طریق فن‌آوری مورد توجه قرار خواهیم داد. باید تلاش شود میزان ورودی پرونده‌ها به مراجع قضایی کاهش یابد، این امری دشوار اما امکان‌پذیر است و مستلزم همکاری تمام مدیران و روسای کل دادگستری استان‌ها است؛ هم‌چنین باید جنبه‌های بازدارندگی مجازات‌ها مورد توجه قرار گیرد. ما نیز تمام توان خود را برای حل این معضل به کار خواهیم گرفت.

ما که مدعی عمل به آیات قرآنی و دستورات الهی هستیم، نباید در این عرصه از دیگر کشورها عقب‌تر باشیم. برخی کشورها مدعی‌اند که روند رسیدگی به پرونده‌ها حداکثر شش ماه است و در موارد مهم، نهایت این مدت، دو سال است و این در حالی است که وضع نظام قضایی ما این‌گونه نیست. اخیراً با ملاحظه‌ی آمار پرونده‌های برخی کشورها این نتیجه را دریافتیم که ورودی پرونده‌ها در برخی کشورها به نسبت جمعیت آن‌ها بسیار اندک است. به نحوی که برای مثال کشوری با یکصد و بیست میلیون نفر جمعیت، صرفاً دارای دو میلیون پرونده است. باید بررسی کرد که این کشورها برای کاهش آمار ورودی پرونده‌ها، چه اقداماتی را صورت داده‌اند؟ نیل به این مهم، مستلزم طراحی کلانی است که باید از مرکز

به نظر می‌رسد بشر در جهان امروز، تشنه‌ی معنویت است. با وقوع رنسانس، انسان‌گرایی و لذات‌گرایی هدف شد و فلسفه‌های پوچ‌گرایانه در غرب رشد کرد. در این دوره انسان به گمان خویش بریدن از معنویت و اخلاق را نوعی پیروزی تلقی کرد؛ حتی می‌توان ردپای این طرز تفکر را در برخی اشعار شعرای ایرانی نیز یافت. در حال حاضر با سپری شدن هفت قرن از رنسانس و با کسب تجربه‌های متفاوت، عطش انسان در غرب، برای معنویت افزایش یافته است. انسان ذاتاً حقیقت‌گراست، هر چند که این امکان وجود دارد که در تشخیص مصادیق اشتباه کند.

اسلام، دینی کامل و جامع است. قرآن کتاب ناس است. «هذا بیان للناس» است. قرآن بیانی برای تمام بشریت و «تبیان لکل شی» است. برای پیوستن به چنین دینی که اکمل است، در دنیا دعوت عام رخ داده است. ما مدعی هستیم که پیام قرآن باید فعلیت یابد. تلاش رسول اکرم (ص) و ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام)، همگی در جهت انتشار این پیام بود. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا رفتار ما به عنوان مسلمان، با این ادعا مطابقت دارد؟ آیا اوضاع و احوال ما با یک دعوت عمومی سازگار است؟ ائمه‌ی ما با بیان «کونوا دعاه الناس بغیر السنتمکم» ما را به این سمت و سو فرا خواندند که با غیر زبانمان داعیان به سوی خداوند باشیم؛ در این روایت و روایات مشابه بر افعال و اعمال تأکید شده است. بنابراین، صرف بیان این‌که نظام ما بهترین است، کافی نمی‌باشد بلکه این ادعا باید با افعال ما مطابقت داشته باشد. در خصوص دستگاه قضا، پرسش این است که آیا آمار پرونده‌های وارده به دستگاه قضایی رو به کاهش است؟

در حال حاضر مسؤلان ما بسیار خطیر است با این‌که نیروهای شریف و فعال بسیاری در قوه قضاییه داریم که در حال خدمت مدام و مستمر هستند؛ در محاکم نیز همین روال حاکم است. اما در مقام مقایسه‌ی عملکردها متوجه می‌شویم، برآیند کار با تلاش‌های صورت گرفته همخوانی ندارد. به همین دلیل است که باید مهندسی جدیدی را طراحی کنیم. بسیاری از مسؤلان قضایی از صدر تا ذیل، درگیر امور روزمره هستند. مهندسی فکری، خودداستانی جداگانه است و تأثیر بسیاری دارد.

به نظر می‌رسد در بحث پیشگیری از وقوع جرم توفیق چندانی نداشته‌ایم. موفقیت در این عرصه مستلزم همکاری تمام دستگاه‌ها است و

صورت گیرد.

در وصیت‌نامه‌ی حضرت امیر (ع) آمده است «الله الله فی القرآن لا یسفنکم بالعمل به غیرکم» بدین معنی که چنین نباشد که غیرمسلمان در عمل بر شما پیشی گیرند؛ و در حال حاضر آمار پرونده‌ها در محاکم کشور به حدی است که دیگر کشورها در این مورد بر ما سبقت گرفته‌اند. امیدواریم در سال جدید شاهد حرکت جدید دستگاه قضایی باشیم.

در خصوص مقوله‌ی پیشگیری از وقوع جرم، هم‌چنین باید به این حقیقت توجه داشت که پدیده‌ی مجرمانه ریشه‌هایی خارج از قوه‌ی قضاییه دارد. با وجود این دستگاه قضایی نیز در توفیق امر پیشگیری از وقوع جرم، نقشی مؤثر دارد. در لایحه‌ی تنظیمی در این خصوص، شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم، پیش‌بینی شده بود که شورای فرا قوه‌ای تشکیل شود که شورای نگهبان به آن ایراد کرد. در جلسه‌ی سران قوا نیز موضوع پیشگیری از وقوع جرم مطرح شد. اقدامات باید به گونه‌ای باشد که تمام قوا عهده‌دار این امر خطیر شوند و باید کاری کرد که بار اصلی مسوولیت بر دوش تمام قوا باشد. موضوع پیشگیری از وقوع جرم، کاری فراقوه‌ای را ایجاب می‌کند؛ ما به دنبال اصلاح لایحه هستیم هر چند که لایحه‌ی موجود نیز مزایای بسیاری دارد.

موضوع دیگر آن‌که، اجرای طرح پیشگیری از وقوع جرم، مستلزم دستیابی به آمار وقوع بزه است. باید از این آمار، اولویت‌ها را استخراج کرد؛ برای نمونه صدور بزه چک بلامحل یکی از این موارد است. باید دعوای اولویت‌بندی شود؛ در همین راستا بحث و مقوله‌ی آمار باید به خوبی در کشور سازماندهی شود و این در حالی است که متأسفانه ما نگاه کلانی به امور نداریم.

در جلسات متعدد مسؤولان عالی قوه‌ی قضاییه، مقوله‌ی پیشگیری از وقوع جرم مطرح شده است؛ این مباحث تا بدان‌جا پیش رفته است که این امکان وجود دارد که نهادهای برای این مقوله در حد معاونت پیش‌بینی شود.

موضوع دیگری که پرداختن به آن مناسب است، بحث تنقیح قوانین است. تشخیص قوانین ناسخ و منسوخ از موضوعات بسیار مهمی است که مجلس نیز اهمیت آن را دریافته و اخیراً قانونی را در همین خصوص به تصویب رسانیده است؛ هر چند که با ایراد شورای نگهبان مواجه شده است. مصوبه‌ی مجلس به گونه‌ای است که تمام سازمان‌ها و دستگاه‌ها و از جمله، قوه‌ی قضاییه را مکلف نموده است که در امر تنقیح قوانین همکاری کنند.

موضوع دیگر در خصوص برخی لوایحی است که تدوین شده و در حال حاضر برای تقدیم به مجلس شورای اسلامی به دولت ارسال شده است و یا در مجلس در حال بررسی است؛ از جمله‌ی این لوایح می‌توان به لایحه‌ی آیین دادرسی کیفری، لایحه‌ی تجارت، لایحه‌ی آیین دادرسی تجاری و لایحه‌ی مجازات اسلامی اشاره نمود. لایحه‌ی اخیر، در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس، به تصویب رسیده و به شورای نگهبان ارسال شده است. شورای مزبور نیز نسبت به این مصوبه، حدود صد ایراد مطرح کرده است.

در مورد لایحه‌ی آیین دادرسی کیفری از مقام‌های ولایت خواستیم قانون آیین دادرسی فعلی را برای مدت شش ماه دیگر تمدید کنند تا در این فاصله‌ی زمانی، لایحه‌ی آیین دادرسی جدید به تصویب نهایی برسد.

موضوع دیگر در خصوص عدم توجه دستگاه اجرایی به

استقلال قوه‌ی قضاییه است. برای نمونه در برخی موارد پیش می‌آید که استاندار یک استان، رییس کل دادگستری آن استان را ملزم به حضور در جلسه‌ای می‌نماید. به رغم آن‌که در چنین مواردی به برخورد واکنشی اعتقادی نداریم، اما بر این امر اصرار داریم که باید همواره استقلال دستگاه قضایی را مدنظر قرار گیرد. در تمام قوانینی که در مجلس شورای اسلامی به تصویب می‌رسد، هرگاه قوه‌ی قضاییه مکلف به حضور در امری شود، با ایراد شورای نگهبان مواجه می‌شود؛ چه رسد به دستور استاندار. تصمیمات این مقامات برای دستگاه قضایی لازم‌الرعایه نمی‌باشد، نباید به گونه‌ای رفتار کرد که این امور، متعارف و رایج شود. دستگاه‌های اجرایی نمی‌توانند مکاتباتی در این خصوص به دادگستری ارسال نمایند، هر چند مکلف به بررسی شکایات و رفع نواقص هستیم.

موضوع دیگر، بحث شوراهای حل اختلاف است. در خصوص این شوراهای بر این باوریم که وجود قاضی در شورا، امری صوری نمی‌باشد. بر همین اساس بود که تغییراتی در این خصوص صورت گرفت. نظر قاضی شورا باید کسب و رعایت شود. متأسفانه در عمل شاهد هستیم نقش قاضی به نقشی صوری مبدل شده است، چنان‌چه نقش قاضی، نقشی صوری باشد، تخلف محسوب می‌شود. قضاوت غیرقانونی را خلاف شرع می‌دانیم. اعضای شوراهای علم‌تبعیدی ندارند. این‌ها برای صلح آمده‌اند و نمی‌توان قضاوت را به دست آن‌ها سپرد؛ از لحاظ شرعی پرسش این است که چرا قاضی باید از نظرات افراد غیرمتخصص استفاده کند؟

ما به هیچ وجه به کار صوری اعتقادی نداریم. قضات باید تا حد امکان خود اقدام کنند. اعمال صوری خلاف شرع است. شوراهای باید به سمت صلح و سازش بروند.

موضوع دیگر، بحث اعمال ماده‌ی 18 اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب است؛ در این خصوص بحث‌های مکرر و متعددی شده است. قانون و مصالح، این اجازه را نمی‌دهد که بار دیگر به تمام محکومان حق تجدیدنظرخواهی داده شود. آن‌چه در قانون مزبور آمده، این است که چنان‌چه رییس قوه قضاییه به آراء خلاف بین شرع برخورد کرد، اقدام کند.

قانون اعمال این ماده را منوط به تشخیص رییس قوه قضاییه دانسته است؛ بر اساس قانون و رویه‌ی سابق ملاحظه می‌شد که در برخی موارد احکام صحیح نیز از میان می‌رفت. حدود نود درصد درخواست‌ها در استان‌ها رد می‌شد و موارد اندکی باقی می‌ماند. به هیچ وجه این اطمینان وجود نداشت که شیوه‌ی سابق بهترین راه اتقان است. مناسب آن است که نظارت بر محاکم افزایش یابد. دیوان عالی کشور باید نظارت خود را افزایش دهد و این در حالی است که وجود حجم عظیمی از پرونده‌ها در دیوان عالی کشور، امکان اعمال چنین نظارتی را منتفی ساخته است. به عقیده‌ی اینجانب، رویه‌ی حاضر، اقدامی موازی است که با قانون و با مصالح مطابقت ندارد. اینجانب در بسیاری موارد، بروز اشتباه را نمی‌پذیرم مگر آن‌که اطمینان پیدا کنم. نباید در این عرصه باب جدیدی گشوده شود. در حال حاضر در راستای اعمال این ماده، پرونده‌های زیادی وجود دارد. پرسش این است که آیا می‌توان در فرصتی اندک این‌گونه پرونده‌ها را بررسی و خلاف بین شرع را احراز کرد. در برخی موارد نیز موضوع بحث برانگیز است. شما صرفاً مواردی را که در مقام اعمال نظارت ملاحظه می‌کنید، برای اعمال این ماده ارسال کنید. رییس قوه‌ی قضاییه در اعمال آن، محدود و مقید به مدت زمان خاصی نمی‌باشد. برای سایرین می‌توان تعیین وقت کرد؛ از حیث مصلحت تاریخ ابلاغ صحیح است، اما قانون از این حیث ساکت است؛ با تدوین و ارسال بخشنامه‌ای در این خصوص، مراتب را اعلام خواهیم کرد.